

تأثیرات جهل بر مسئولیت کیفری از منظر حقوق اسلام و نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران

دکتر خادم حسین حبیبی*

چکیده

یکی از مسائل مهم در حوزه حقوق کیفری، تأثیرات جهل بر مسئولیت کیفری می‌باشد. تحقیق حاضر با عنوان «تأثیرات جهل بر مسئولیت کیفری، از منظر حقوق اسلام و نظام حقوقی افغانستان و ایران» می‌کوشد با رویکرد توصیفی - تحلیلی - مقایسه و با روش اسنادی به این پرسش اساسی پاسخ دهد که در حقوق اسلام و نظام حقوقی افغانستان و ایران، جهل چه تأثیراتی بر مسئولیت‌پذیری و بی‌مسئولیتی مرتکب دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، موارد آن کدام‌اند؟ بررسی این امر در قدم نخست، به بررسی جایگاه و نقش جهل بر مسئولیت‌پذیری و بی‌مسئولیتی مرتکبان از منظر اسلام، به عنوان مبادی و مبانی نظام حقوق اسلامی و دانستن انواع و اقسام جهل، بستگی دارد. یافته‌های تحقیق حاضر، حاکی از آن است که نظام حقوقی ایران و افغانستان به خصوص قانون مجازات این کشور، از آنجا که به شدت تحت تأثیر فقه قرار دارد، در بسیاری موارد قانونگذار تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری را پذیرفته است. در نظام حقوقی افغانستان و در کد جزای این کشور تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری تأیید نشده است.

کلید واژگان: جهل، مسئولیت کیفری، حقوق کیفری اسلام، نظام حقوقی افغانستان، نظام حقوقی ایران.

مقدمه

بحث جهل و اشتباه و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری مرتکب، از موضوعات و مباحث مهم و دقیق و در عین حال بحث برانگیزترین حقوق جزای عمومی خوانده می‌شود. به طور عموم، حقوقدانان جزایی، جهل را یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌شناسند. منظور و نظر حقوقدانان از «جهل»، به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت، بیشتر اشتباه موضوعی است؛ چرا که با پذیرش و حاکمیت قاعده معروف «جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست»، در عمل جایی برای بحث در باره اشتباه حکمی پیش نمی‌آید. هرچند که در برخی قوانین جزایی، مواردی از قاعده یادشده استثنا گردیده‌اند. قاعده معروف «جهل به قانون، رفع تکلیف نمی‌کند»، یک قاعده پذیرفته‌شده بود و به‌عنوان یک اصل پذیرفته می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم، رعایت طرح یا لایحه، بعد از تصویب در ولسی جرگه و تبدیل شدن آن به قانون و تأیید آن در مشرانو جرگه و پس از امضای رئیس‌جمهور و انتشار در جریده رسمی کشور، بر همه مردم لازم است و از آن پس، مفاد قانون، جزو قواعد زندگی در اجتماع درمی‌آید و اشخاص ناچار به تنظیم روابط خود برطبق آن هستند. باید دانست که رعایت احترام، حفظ کرامت، حقوق انسان‌ها، جایگاه ویژه و رفیع آن در آموزه‌های حیات‌بخش اسلامی که بیش از هر چیز درصدد حراست از ابعاد مختلف شخصیت انسان و ارج نهادن به قدر و منزلت و سرنوشت اوست و با توجه به رسالت و هدف حقوق جزا که درصدد حفظ و تأمین ارزش‌های حیاتی و پذیرفته‌شده در جامعه از طریق اعمال ضمانت اجراهای کیفری است.

در ضمن، این کیفرها بیشتر با حقوق اساسی، آزادی و سرنوشت انسان‌ها برخورد جدی دارند و با نظر به اینکه اعمال مجازات بدون توجه به اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم و مجرمیت و استحقاق متهمان، خلاف عدالت و انصاف است، ضرورت دارد که آثار اشتباه در مسئولیت کیفری را مطالعه کنیم. همچنین میزان مسئولیت افرادی را که به دلیل خطا، اشتباه و ناآگاهی و بی‌اطلاعی از مجرمانه بودن عمل ارتكابی، متهم به ارتكاب جرمی هستند، بررسی خواهیم کرد. این مطالعه و بررسی از این جهت که محرومیت‌ها و معذوریت‌های مرتکب عمل مجرمانه را مدنظر دارد، در خور توجه است. ضرورت انجام این تحقیق، زمانی جلوه بیشتری می‌یابد که ممکن است شخص قاضی در برخورد با ادعای جهل از ناحیه مرتکب، دچار اشتباه شود.

بنابراین در عرصه حقوق کیفری، اول اینکه - اصل بر آن است که صرف ارتكاب عمل، موجب بارشدن مجازات بر مرتکب نمی‌گردد و باید در قدم نخست، رابطه سببیت میان فعل و نتیجه مجرمانه موجود باشد تا بتوان فرد مرتکب را مسئول عمل ارتكابی قلم‌داد کرد؛ دوم اینکه - فرد مرتکب از زمره افرادی نباشد که برخی عوامل، مسئولیت وی را رفع می‌کند و یا سبب موجه‌شدن

رفتار او می‌گردد. از این رو، یکی از مواردی که در حقوق اسلام سبب رفع مسئولیت از عهده مرتکب می‌شود، بحث جهل است و این مورد در نظام حقوقی اسلام و ایران پذیرفته شده است؛ اما قانون‌گذار افغانستان در کد جزا و قانون اساسی این کشور به صراحت تأثیر جهل بر رفع مسئولیت کیفری را نفی می‌کنند. درباره این مورد، در موضوع عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجه جرم نیز بحث و بررسی شده است.

با توجه به مسائل بالا، در این تحقیق برآنیم که با روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای، در ضمن شش بند، چستی جهل، مفهوم و تأثیر آن را بر مسئولیت کیفری از منظر حقوق اسلام و قوانین افغانستان و ایران، بررسی کنیم.

الف: مفاهیم

در این قسمت از تحقیق، تبیین مفاهیم اساسی همچون مفهوم جهل و انواع آن، مفهوم اشتباه و مقایسه آن با جهل، مورد بررسی قرار گرفته که به شرح ذیل است.

۱) مفهوم جهل

«جهل» در لغت به معنای نادانی (معین، ۱۳۸۷: ص ۴۰۰) و بی‌خردی (عمید، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۷۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۹۰) است. مفهوم (Ignorance) را می‌توان معروف‌ترین معادل انگلیسی این واژه دانست. (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۱۲۰)

در اصطلاح حقوقی، جهل به معنای لغوی خود نزدیک است که از آن به معنای عدم علم تعبیر می‌شود. (شمس ناتری، ۱۳۹۵: ص ۴۲۵) در حقیقت، «جهل» تصور خلاف واقعی است که در تشخیص هویت اشخاص و یا در تشخیص قانونی یا غیرقانونی بودن اعمال و یا در تشخیص اوصاف اشیا حاصل می‌شود.

بنابراین جهل، تقسیماتی دارد که این تقسیمات گاهی متوجه متعلق است و از این نگاه به «حکمی» و «موضوعی» تقسیم می‌شود و گاهی به تلاش مکلف توجه دارد که از این حیث، به «قصور» و «تقصیری» تقسیم شده است.

۲) انواع جهل

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، جهل را از جنبه‌های متعدد می‌توان دسته‌بندی و تقسیم کرد. در زیر به برخی از این تقسیم‌بندی‌ها در حد نیاز این نوشته اشاره می‌کنیم.

۱-۲. جهل حکمی و موضوعی

جهل حکمی و موضوعی، تفاوت اساسی و بنیادی با یکدیگر دارند و همین امر ایجاب می‌کند تا هرکدام به صورت مختصر توضیح داده شود:

۱-۱-۲. جهل حکمی

هرگاه کسی مرتکب عملی شود و نسبت به حکم قانونی یا شرعی آن شبهه و یا تردید نداشته باشد و تصور کند که عمل وی مطابق با احکام شرعی یا قانونی است، حال آنکه در واقع آن رفتار، خلاف شرع و قانون باشد، در این صورت جهل را جهل به حکم یا قانون می‌نامند (فیض، ۱۳۵۸: ص ۳۱۱). برای مثال، فردی که نمی‌داند در اسلام برای زنا حد معین شده است یا از حکم شرب خمر (شراب) آگاهی ندارد و نمی‌داند که برای این عمل، مجازات خاصی مقرر شده است.

بنابراین، اشتباه حکمی گاهی ناشی از عوامل مختلفی است، مانند جهل به حکم، ابهام حکم، تناقض چند حکم و تفسیر نادرست از حکم. همه این موارد می‌توانند در جهل حکمی، مؤثر باشند.

۲-۱-۲. جهل موضوعی

هرگاه کسی به اصل حکم قانونی یا شرعی آگاه و مطلع باشد، ولی نسبت به یک مورد جزئی و خارجی آن جهل داشته باشد، مرتکب جهل موضوعی شده است، مانند کسی که نمی‌داند زنی که با او ازدواج می‌کند، در عده است. یا مانند کسی که اصل جرم بودن و حرام بودن آتش زدن مال دیگران را می‌داند، اما نمی‌داند آتشی که روشن کرده، به خانه همسایه سرایت کرده و موجب سوختن آن شده است. چنین جهلی را جهل موضوعی می‌نامند (ساریخانی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۵).

۲-۲. جهل بسیط و مرکب

با توجه به تفاوت اساسی موجود میان جهل بسیط و مرکب، لازم به نظر می‌رسد تا هرکدام از این موارد را جداگانه توضیح دهیم:

۱-۲-۲. جهل بسیط

جهل بسیط، عبارت از فقدان علم و علم به فقدان علم است؛ بدین معنا که جهل، همراه با شک و تردید بروز می‌کند و شخص نیز از جهل خود، آگاهی دارد (المظفر، ۱۳۸۲، ص ۳۰). جهل بسیط، با دو علم همراه است؛ زیرا در جهل بسیط فرد می‌داند که نمی‌داند و بر این ندانستن هم واقف است.

۲-۲-۲. جهل مرکب

جهل مرکب که از آن در زبان فارسی به «نادانی» یاد می‌شود (معین، ۱۳۸۷: ص ۱۰۰۱)، در اصطلاح عبارت است از اینکه کسی به وجود حکم و یا موضوعی یقین داشته باشد، ولی آنچه را در عمل انجام می‌دهد، خلاف واقع باشد. با این حال، فرد عامل تصور می‌کند رفتارش مطابق با واقعیت است (المظفر، ۱۳۸۲: ص ۳۰). به عبارت دیگر؛ در جهل مرکب، انسان به چیزی جهل دارد، ولی هیچ توجهی به این جهل نمی‌کند، بلکه برعکس اعتقاد دارد که از اهل علم است. در نتیجه

«نمی‌داند که نمی‌داند» و درحقیقت این جهل، مرگب از دو مورد است: یکی جهل به واقع، و دومی جهل به جهل خودش که نمی‌داند (آقایی نیا، ۱۳۸۸: ص ۵).

۲-۳. جهل تقصیری و قصوری

جهل تقصیری و قصوری را در مواردی می‌شود تصور کرد که کسی قصد ارتکاب رفتاری خاصی را دارد، ولی از حکم آن رفتار آگاهی ندارد و نمی‌داند که رفتار وی مشمول عنوان مجرمانه می‌شود. این فرد یا با جست‌وجو می‌تواند حکم رفتار خود را دریابد یا با جست‌وجو هم ممکن نیست به چنین چیزی دسترسی پیدا کند. صورت اول را جهل تقصیری و حالت دوم را جهل قصوری می‌نامند. جهل تقصیری به این معناست که شخص جاهل، قدرت به‌دست آوردن حکم قانونی و یا شرعی رفتار موردنظر خود را داشته است، اما بر اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری به دنبال دست‌یابی حکم قانونی یا شرعی آن نرفته است. دلیل ناآگاهی نیز سهل‌انگاری خود شخص است (خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۴۵۶).

۳) مفهوم اشتباه

واژه «اشتباه» از ریشه شبهه بوده و در لغت به معنای مانندشدن، یا چیزی یا کسی را به جای چیزی یا کسی گرفتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۵۷). اشتباه، به مانند شدن چیزی به چیز دیگر در نظر انسان، یکی را به جای دیگری گرفتن، یا کاری به غلط انجام‌دادن، پوشیده شدن کار و مانند آن نیز آمده است (عمید، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۶۸).

«اشتباه» از ریشه شبهه گرفته شده است. شبهه عبارت است از تصور خلاف انسان از واقع، طوری که امر موهومی را موجود و یا امر موجودی را موهوم بیندارد. به‌طور معمول، اشتباه انسان از ناآگاهی وی به امور واقع مایه می‌گیرد که خود ممکن است از بی‌دقتی و بی‌مبالاتی و یا نداشتن توجه کامل به امور ناشی شود (لنگرودی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۴۵).

در رابطه با شبهه‌ی (اشتباه) که موجب ساقط‌شدن حد شود، نویسنده تکلمه‌المنهاج بیان داشته است: «مقصود از شبهه ساقط‌کننده حد، عبارت است از جهل قصوری و یا تقصیری در مقدمات فعل ممنوع؛ با این شرط که مرتکب، در حال ارتکاب عمل [و طی آن]، معتقد به حلیت باشد، اما اگر کسی جاهل مقصر به حکم باشد، ولی در حال ارتکاب عمل، به جهالت خویش ملتفت باشد، کیفر زنا بر او جاری خواهد شد. در واقع ایشان شبهه را قطع و اعتقاد به جایز بودن عمل ارتکابی تفسیر می‌نمایند» (خویی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۸۴).

۴) مقایسه جهل با اشتباه

کلماتی مانند جهل و اشتباه، خطا، سهو، نسیان و غفلت، در اذهان مردم معنای یکسان یا دست

کم نزدیک به هم را متبادر می‌کنند که محور اشتراک همه آنها را «جهل به واقع» تشکیل می‌دهد. بر همین اساس، در بعضی از کتب حقوقی و یا به هنگام کاربرد و محاوره، آنها را به جای یکدیگر می‌آورند؛ درحالی‌که از منظر واژه‌شناسی، میان آنها تفاوت وجود دارد، چنان‌که یکی از حقوق‌دانان معاصر عرب در توضیح کلمه جهل و تفاوت آن با اشتباه، می‌نویسد: «گاهی اتفاق می‌افتد که حقیقت چیزی برای ما نامعلوم است» (الحنفاوی ۱۹۷۴: ص ۵).

در این صورت، ناآگاهی در برخی موارد، ناشی از تصور نادرست است که ما از آن شیء داریم و در موارد دیگر اینکه اصلاً از آن چیز، تصویری در ذهن به وجود نیامده است. صورت اول، نشان‌دهنده «اشتباه» است و صورت دوم، «جهل» و جهل مساوی با فقدان است؛ اما اشتباه تصویری، نادرست است. مطابق این بیان اشتباه، تصور و فکر است، ولی تصور، غلط است؛ برخلاف جهل که در اصل وجود فکر و تصور، تردید است.

افزون بر آن، می‌توان مقایسه جهل و اشتباه را از منظر دیگری نیز بررسی کرد، به این شکل که به جهل مرگب، اشتباه می‌گویند؛ زیرا جهل مرگب آن است که انسان یک تصور ذهنی از امری دارد و آن، تصور خلاف واقع است. بنابراین، به سادگی می‌توان تشخیص داد که مراد از اشتباه، همان جهل مرگب است؛ زیرا جهل مرگب و اشتباه، هر دو آگاهی و علم به امری بر خلاف حقیقت است. پس هر اشتباهی، مبتنی بر جهل است، ولی هر جهلی ضرورتاً در بردارنده اشتباه نیست.

در نتیجه، نسبت میان اشتباه و جهل، عموم و خصوص مطلق است؛ چراکه هر اشتباهی جهل است، اما هر جهلی اشتباه نیست (لنگرودی، ۱۳۸۸: ص ۳۸۹).

به نظر رنه گارو، وقتی مفهوم حقیقی یک چیز را درک نمی‌کنیم، یا به این علت است که تصویری از آن امر نداریم، یا تصویر نادرست داریم. حالت اول را جهل و حالت دوم را اشتباه می‌نامند (قدسی، ۱۳۸۱: ص ۸۵-۸۶).

ب: تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در حقوق اسلام

در حقوق جزای اسلام، هرچند که جهل به قانون، رافع مسئولیت دانسته نشده و ارزش و اعتبار احکام اسلامی بین جاهلان و عالمان یکسان است، هرگاه مرتکب جرم یا گناه، ادعای ناآگاهی از حکم رفتار ارتكابی را نماید و بتواند ادعای خود را به اثبات برساند، به موجب مواردی چون اصل براءت، قاعده درء، قاعده قبح عقاب بلابیان و روایات موجود در این باب، به دست می‌آید که چنین کسی مکلف به انجام تکلیف نیست و در صورت ارتكاب جرم یا گناه، از کیفر معاف است.

به عنوان نمونه، یکی از دلایل استثنایی عدم مسئولیت (رافع مسئولیت)، به حدیث رفع برمی‌گردد که پیامبر اکرم^(ص) بیان کرده است: «رفع عن امتی تسعه الخطاء... و مالایعلمون؛ از امت من ۹ چیز از جمله خطا و جهل و...؛ برداشته شده است» (عاملی، بی‌تا: ص ۳۲). از این حدیث بر می‌آید که

در ۹ مورد و برای مثال، به وسیله جهل، دیگر بازخواست و مجازات از عهده مرتکب برداشته می‌شود (ساریخانی، ۱۳۸۹: ص ۶۳).

روایت دیگری که بر عدم مسئولیت کیفری جاهل دلالت دارد، حدیث «حجب» است. در این روایت آمده که هر آنچه را خداوند از بندگان خود پنهان کرده، در واقع تکلیف آن را از آنها برداشته است. بنابراین، حکم و تکلیفی که خداوند آن را اعلام نکرده و بندگان به آن جاهل هستند، در قبال آن مسئولیتی هم نخواهند داشت (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ص ۴۱۳). به جز مواردی که ذکر شد، روایت دیگری که بر تأثیر جهل حکمی در پذیرش مسئولیت کیفری دلالت دارد، منتسب به پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرماید: «ادرتو الحدود بالشبهات». این حدیث مبنای یک قاعده فقهی شده که بیان می‌دارد: هرگاه برای شخصی ظن یا گمان به حلال بودن عملی به وجود آید و در نتیجه آن، دست به عملی حرام بزند و سپس کشف شود که فعل حرام و ممنوعی را انجام داده، مستوجب عقاب نخواهد بود. بر این اساس، تا موضوع احراز نگردد، حکم ثابت نخواهد شد. بدون شک، شبهه موضوعیه، مشمول این قاعده است (حلی، ۱۳۷۷: ص ۳۴۵).

در باره دایره شمول این روایت در جهل حکمی، برخی معتقدند که هرگاه جهل به حکم از نوع قصوری باشد، قاعده جاری می‌شود و اگر جهل تقصیری باشد، مجازات از عهده مرتکب برداشته نخواهد شد. (خویی، ۱۹۷۶: ص ۱۶۹) برخی نیز بر این اعتقادند که یکی از نشانه‌های عموم، جمع محلی به «الف و لام» است. بنابراین، واژه «الشبهات» در حدیث شریف، افاده کننده عموم است. پس قاعده فوق، هر شبهه‌ای اعم از موضوعی و حکمی و اعم از تقصیری و قصوری را شامل می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ص ۱۳۴).

قابل ذکر است که عده‌ای قائل به تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری نیستند و تأکید دارند که قاعده اشتراک احکام میان عالم (آگاه) و جاهل، قاعده الزام به تعلم، و فرض آگاهی عموم نسبت به احکام اسلام، دلالت بر آن دارد که جهل به حکم، بر مسئولیت کیفری مرتکب تأثیری ندارد و مرتکب جاهل باید به مجازات اعمال مجرمانه خود برسد. (ولیدی، ۱۳۶۳: ص ۳۵)

پس به نظر می‌رسد در مقایسه دلایل طرفین، دلایل موافقان، کامل و قابل تأیید باشد؛ زیرا قاعده اشتراک احکام میان عالم و جاهل در مرحله انشاء است، ولی در مرحله تنجز، اشتراکی وجود ندارد و تکلیف فقط بر عالم منجز می‌شود. از این رو، تکلیف تا زمانی که منجز نگردد، مجازاتی هم به همراه نخواهد داشت. همچنین دلیل وجوب تعلم نمی‌تواند جاهل را مسئول بداند و بازخواست کند؛ زیرا وجوب تعلم، وجوب مقدمی است. پس براساس قاعده وجوب تعلم، اگر فردی رفتار مجرمانه‌ای مثل زنا و غیره را مرتکب شود، مجازات نمی‌شود، بلکه بر ترک تعلم بازخواست می‌گردد. از سوی دیگر فرض عالم (آگاه) بودن بر احکام نیز نمی‌تواند دلیلی بر مسئولیت کیفری جاهل

باشد؛ زیرا فرض‌های موجود در روایات، ناظر بر مواردی است که امکان ادعای جهل به آن وجود نداشته است. برای مثال، از روایات به‌روشنی درمی‌یابیم که ادعای جهل از طرف زن مسلمان به دو ازدواج هم‌زمان، ممکن نیست و بدون شک، هر زن مسلمان نسبت به این مسئله عالم است.

ج: تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در نظام حقوقی افغانستان و ایران

با وجود شباهت‌های موجود در نظام حقوقی افغانستان و ایران، تمایز آن دو در این مورد را نمی‌توان نادیده گرفت. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و به خصوص قانون مجازات اسلامی این کشور به شدت متأثر از فقه اسلامی است و در بیشتر موارد همان احکام فقهی را بدون کم و کیف برداشته و در ماده قانون اضافه کرده است؛ اما نظام حقوقی جمهوری اسلامی افغانستان هرچند که تابع مقررات شریعت اسلامی است، کد جزای این کشور فقط به بررسی جرایم تعزیری پرداخته و جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات را به فقه حنفی ارجاع داده است (ماده ۲ کد جزای افغانستان).

با اندکی تأمل در مفاد مواد کد جزای این کشور، چنین برداشت می‌گردد که دخالت فقه در امور کیفری این کشور خیلی محدود است و این مورد ناشی از پیش‌بینی شدن اکثر موارد (احکام جرایم) در کد جزا است و شرط ارجاع به فقه هم پیش‌بینی نکردن موارد فوق در کد جزا خوانده شده است (همان). این امر سبب پیچیدگی در این امور شده است.

۱) تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، براساس ماده ۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ و نیز با استناد به حکم رأی شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۱۷/۲/۲۰ دیوان عالی این کشور، ادعای جهل به قانون پذیرفته نیست. از آنجا که ماده فوق (ماده ۲ قانون مدنی ۱۳۰۷)؛ در امور جزایی سرایت پذیر نیست، به حکم بیان شده نیز در امور جزایی نمی‌توان استناد کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در رابطه با جهل و اشتباه، تصریحی نشده و از این‌رو، در ماده ۶۲ و مواد عمومی به این بحث اشاره نشده است؛ اما در مواردی چون حدود و قصاص، به صورت موردی به جهل و اشتباه اشاره گردیده و جزو عوامل رافع مسئولیت شناخته شده‌اند. به عنوان نمونه، در ماده ۶۶ این قانون، ادعای اشتباه و ناآگاهی را مشروط به شرایطی پذیرفته است. تبصره ۱ ماده ۱۶۶ این قانون نیز ادعای جهل شارب خمر را پذیرفته است.

نویسندگان و اساتید حقوق در ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی و توجه خاص قانون‌گذار این کشور به منابع فقهی، موضعی روشن درباره تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری ندارند؛ زیرا به عقیده آنها در حقوق جزا جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست، اما در حقوق جزای اسلام که قانون مجازات اسلامی متأثر از آن است، با وجود «قاعده درء» و حدیث «رفع جهل»، قانون، رافع مسئولیت کیفری دانسته می‌شود.

بنابراین، در رابطه با مورد ذکر شده، نویسندگان و اساتید علم حقوق کشور ایران نظریه‌هایی ارائه داده‌اند که در ذیل به بیان هرکدام به صورت جداگانه می‌پردازیم:

- با اینکه احکام اسلامی میان عالمان و جاهلان، مشترک است و جهل به حکم، سبب سقوط حکم نمی‌شود. در باب احکام جزایی، اسلام با استناد به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» علم مرتکب به حکم و موضوع حکم را در نظر گرفته و قاضی نمی‌تواند کسی را به حکمی از احکام جزایی اسلامی محکوم نماید؛ مگر اینکه محکوم در زمان ارتکاب جرم، از جرم بودن عمل و از اینکه عمل ارتكابی، مصداق همان عملی است که برای آن مجازات در نظر گرفته‌اند، آگاه باشد (گرجی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۹۶).

- دیدگاه دیگر در این موضوع، این است که به‌طور کلی جهل به احکام شرعی در ابواب عبادات و معاملات، عذر موجه خوانده نمی‌شود. برای کسی که در کشور اسلامی به سر می‌برد و خود را مسلمان می‌داند، ادعای جهل در وجوب روزه و نماز و نیز احکام مدنی و معاملات پذیرفته نمی‌شود و احکام اسلامی بین عالم و جاهل مشترک است؛ اما در قوانین جزایی، این قاعده تخصیص دارد و این تخصیص، ناشی از قاعده «درء» است که اهمیت زیادی دارد و قانون‌گذار اسلام برای اعتبار و حیثیت مردم، به این قاعده تمسک بسته و در مورد اجرای حدود و کیفرها نهایت دقت و احتیاط را رعایت کرده است (فیض، ۱۳۶۹، ص ۲۷۵).

- دیدگاه دیگر نیز این است که در حقوق اسلام جهل، یا نسبت به موضوع است و یا نسبت به حکم، در این موارد نیز جهل، رافع مسئولیت است (نوربها، ۱۳۹۱: ص ۳۲۲).

- دیدگاه دیگر، رفع تکلیف و مسئولیت مرتکب را به حقوق اسلام نسبت داده که اگر مرتکب جرم، ادعای ناآگاهی نماید و بتواند ادعای خود را به اثبات برساند، طبق قاعده «درء» چنین کسی مکلف به انجام تکلیف نیست و از مجازات معاف خواهد شد (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ص ۱۰۰).

افزون بر دیدگاه‌های مطرح شده از سوی حقوق‌دانان ایران، در قانون مجازات اسلامی به صورت مصدافی تأثیر جهل بر مسئولیت در امور حدی و قصاص بیان شده که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم.

۱-۱. تأثیر جهل یا اشتباه در جرایم حدی

براساس حدیث نبوی، قاعده «درء» را در اسلام فقهای اهل تشیع و تسنن می‌پذیرند. بر این اساس، وجود شبهه، مانعی است برای اجرای حدود و این شبهه، اعم از شبهه حکمی و موضوعی است. با توجه به مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی به دست می‌آید که این مورد را قانون‌گذار ایران تأیید کرده است، چنان‌که در این مواد، علم به حرمت شرعی رفتار، از شرایط تحقق مسئولیت

کیفری دانسته شده و به عنوان قاعده و شرط کلی در تمامی جرایم حدی بیان شده است (مقبولی، بی تا: ص ۱۴۴). همچنین در این مواد، کلمه «علم» نیز به کار رفته که در اینجا مراد، علم حکمی است و این علم در مقابل جهل یا شبه حکمی قرار دارد. علم موضوعی نیز افزون بر علم حکمی لازم است و دلیل تصریح نشدن به آن، روشن بودن مسئله است (ساریخانی و گلباغی، ۱۳۸۹: ص ۵۹). باید توجه داشت که به جز جهل حکمی، فقها درباره جهل موضوعی نیز اتفاق نظر دارند که اگر این جهل همراه با تقصیر نباشد، رافع مسئولیت کیفری است، مانند آنکه زنی گمان کند شوهرش فوت کرده است و با جهل به فوت شوهرش، با مرد دیگری ازدواج نماید و اگر بدون تحقیق درباره فوت همسرش ازدواج کند، عمل وی همراه با جهل تقصیری است؛ اما اگر در حد متعارف تحقیق کرده باشد، جهل وی از نوع قصوری است.

بنابراین، به نظر می‌رسد مبنای هر دو ماده فوق، مباحث فقهی است که این مباحث بر مبنای روایات، احکامی را بیان داشته است؛ اما در روایت‌های شرعی معافیت از کیفر به دلیل جهل به حکم، برای تمامی جرایم حدی بیان نشده، بلکه تنها در مورد جرم زنا، شرب خمر و سرقت آمده است. قانون‌گذار سال ۱۳۷۰ نیز تعبد را کاملاً رعایت نموده و این حکم را تنها برای جرایم ذکر شده آورده، اما قانون‌گذار سال ۱۳۹۲ دست به اجتهاد آزاد زده و حکم یادشده را در عین سکوت روایت‌ها، به دیگر جرایم حدی نیز تسری داده است (زراعت، ۱۳۹۴: ص ۷۵).

همان‌گونه که در مواد قبل دیدیم، با تحقق جرم و ظهور شبهه و تردید در وقوع آن و یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری همچون شرایط متهم از نظر عقل، بلوغ و اختیار در حین ارتکاب جرم، در صورتی که دلیلی برای اثبات جرم و دیگر شرایط و نیز دلیلی برای رفع شبهه یافت نشود، به استناد این ماده (۱۲۰) و قاعده درء، جرم یا شرط مورد نظر شبهه ثابت نمی‌شود و در نتیجه، شخص تبرئه و معاف از مجازات می‌گردد.

از این ماده چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار، اعمال قاعده درء را در جرایم محاربه و افساد فی الارض، سرقت و قذف، بسته به تحصیل دلیل و اثبات وقوع شبهه دانسته است. در دیگر جرایم موجب حد، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد، جرم یا شرط ذکر شده، ثابت نمی‌شود و متهم از بزه انتسابی و مجازات آن رهایی می‌یابد و قاعده درء اعمال می‌گردد.

به جز موارد یاد شده، قانون‌گذار در بیان موانع مسئولیت کیفری در ماده ۱۵۵ بیان می‌کند: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست؛ مگر اینکه تحصیل علم، عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر خوانده شود. در این ماده، قانون‌گذار جهل حکمی را نپذیرفته، اما در ادامه به جهل قصوری اشاره می‌کند و آن را از موانع مسئولیت کیفری می‌داند.

به عبارت دیگر، اگر متهمی ادعای جهل حکمی کرد و با بررسی وضعیت وی مشخص گردید که وی به جهت اطلاع از حکم، آن عمل را مرتکب شده و برای اطلاع از قانون، اقدام کرده، اما به لحاظ شرایطی همچون محل زندگی و دسترسی نداشتن به منابع اطلاعاتی از حکم قانونی عملی غافل مانده و نسبت به آن جاهل گردیده، این موضوع می‌تواند از موانع مسئولیت کیفری باشد و ادعای جهل وی به حکم، پذیرفته شود.

۱-۲. تأثیر جهل یا اشتباه در جرایم مستوجب قصاص و دیات

در جرایم مستوجب قصاص و دیات، جهل حکمی راه ندارد؛ زیرا این‌گونه مجازات‌ها اصولاً از جنبه حق الناس بوده و با شبهه حکمی ساقط نمی‌گردد.

بنابراین، کسی که مرتکب قتل عمد شده، نمی‌تواند چنین استدلال کند که نمی‌دانسته مجازات قتل عمد قصاص است؛ زیرا حق قصاص، از حقوق اولیای دم است و خدشه‌بردار نیست (مگر آنکه اولیایی دم از قصاص بگذرد). بنابراین، در جرایم موضوع کتاب سوم قانون مجازات اسلامی (قصاص)، جهل حکمی و مقدار تأثیر آن بیان نشده، اما به جهل موضوعی در مواد ۲۹۱ و ۲۹۴ این قانون اشاره شده است.

مقصود از جهل (اشتباه) موضوعی، تصور امر خلاف واقع است که به عمل مجرمانه مرتکب جرم مربوط می‌شود. در این باره نیز نوع جهل (اشتباه) یکسان نیست، گاهی ممکن است این تشخیص ندادن، به شخص یا شخصیت مجنی‌علیه مربوط باشد و یا به اشتباه در تشخیص مهدورالدم بودن مجنی‌علیه مربوط باشد. پیش از بیان این موارد، یادآوری می‌شود که اثبات جهل (اشتباه) موضوعی، در جرایم غیر عمدی هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری مرتکب ندارد. (زراعت، ۱۳۹۳: صص ۴۷-۵۸)

بنابراین، در ادامه، تأثیر جهل (اشتباه) موضوعی در جرایم عمدی را بررسی می‌کنیم؛ یعنی جرایمی که مرتکب با علم و اطلاع و با قصد حصول نتیجه جرمی، آن را مرتکب می‌شود.

اول - اشتباه در شخص و اشتباه در هدف

میان اشتباه در هدف و اشتباه در هویت مجنی‌علیه، باید تفکیک قائل شد. اشتباه در هدف، زمانی رخ می‌دهد که برای مثال، گلوله مرتکب بر اثر خطا در تیراندازی یا ورزش باد یا کمانه زدن، به شخصی که نزدیک وی ایستاده، اصابت کند.

در مورد فردی که به قصد شکار تیری رها کند، اما بر اثر اشتباه در هدف‌گیری، تیر وی به انسانی برخورد نماید، با توجه به اینکه نه قصد فعل و نه قصد نتیجه بر مجنی‌علیه را داشته، اقدام وی برابر بند «پ» ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، خطای محض خوانده می‌شود. (زراعت، ۱۳۹۳: ص ۸۲).

افزون بر مورد فوق، هرگاه مرتکب، قصد جنایت به «الف» را داشته و فرض بر این باشد که ریختن خون الف برای مرتکب مباح است، ولی تیر او به علت نداشتن مهارت در تیراندازی یا بر اثر کمانه کردن گلوله و مانند آن به «ب» که انسان محقون‌الدمی است اصابت نماید، در این صورت قتل واقع شده، برابر بند «پ» ماده ۲۹۲ خطای محض است؛ چون مرتکب، قصد نتیجه و قصد فعل بر «ب» را نداشته است.

حال اگر مرتکب، قصد تیراندازی به «الف» را که انسان محقون‌الدمی است، داشته باشد، ولی تیر او به «ب» که او هم انسان محقون‌الدم است، اصابت نماید، در این صورت قتل واقع شده، عمد تلقی می‌گردد. بنابراین، بند «پ» ماده ۲۹۲ وقتی اعمال می‌گردد که هدف، مباح باشد. برای نمونه، مأموری برای دستگیری مجرمی با رعایت قانون مربوطه، اقدام به تیراندازی به سمت مجرمی می‌کند، ولی تیر او به انسان بی‌گناه برخورد می‌نماید که در این قتل، خطای محض خوانده می‌شود.

دوم- اشتباه در شخصیت (یا اشتباه در هویت)

اشتباه در هویت، مربوط به زمانی است که مرتکب از روی علم و آگاهی، به کشتن شخصی اقدام می‌نماید که در ذهن خود او را «الف» می‌پنداشته، در حالی که پس از ارتکاب رفتار مجرمانه، کشف می‌شود که او «الف» نبوده، بلکه برادر دو قلویش «ب» بوده است. چون قاتل براساس همان هدف مورد نظرش تیراندازی کرده و تیر هم به همان هدف اصابت نموده و انسانی هم کشته شده، پس قتل او عمدی خواهد بود (الهی منش و مرادی، ۱۳۹۳: ص ۴۳۸-۴۴۰؛ صادقی، ۱۳۹۴: ص ۲۹۱-۲۹۳).

به همین دلیل، مطابق با ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی، اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود، در صورتی که مجنی‌علیه و فرد مورد نظرش هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون نباشند، جنایت عمدی خوانده می‌شود. (زراعت، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷-۱۱۰)

سوم- اشتباه در تشخیص مهدورالدم بودن مجنی‌علیه

هرگاه فردی با اعتقاد اینکه فرد مورد نظر وی مهدورالدم یا شیء یا حیوان است، مرتکب قتل می‌گردد، اما پس از ارتکاب رفتار مجرمانه، کشف شود که او مهدورالدم یا شیء یا حیوان نبوده، در این صورت، برابر بند «ب» ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، جنایت وارد شده عمده خواهد بود (زراعت، ۱۳۹۳: ص ۴۷-۵۸؛ واعظی نژاد، ۱۳۹۵: ص ۹۷-۱۰۰؛ صادقی، ۱۳۹۳: ص ۳۶۴-۳۷۳).

۱-۳. تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در جرایم مستوجب تعزیر

در جرایم مستلزم مجازات تعزیر، جهل به حکم یا موضوع، می‌تواند نقش مؤثر در عدم مسئولیت کیفری یا عفو از مجازات یا تخفیف آن داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ص ۱۸۴-۱۹۴).

موضع قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در رابطه با جرایم تعزیری، با توجه به مواد ۱۵۵ و ۱۲۰ و نیز پذیرش اعمال قاعده درء، افزون‌بر اینکه در حدود پذیرش قرار گرفته و رافع مسئولیت است، درخصوص دیگر جرایم و مجازات‌ها نیز در صورت اثبات ادعای متهم، قابل اعمال است؛ هرچند به صراحت می‌توان گفت که در قوانین گذشته، هیچ ماده قانونی به آن اختصاص داده نشده است.

قانون مجازات اسلامی درخصوص جهل حکمی بر مسئولیت کیفری در جرایم، به‌طور کلی در ماده ۱۵۵ بیان می‌دارد: «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم، عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب شود» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۴: صص ۱۴۲-۱۱۶۰). این ماده مبتنی بر قاعده حقوقی «جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست» تقریر شده و ناممکن بودن تحصیل علم و معذور بودن جاهل از منظر شرع را استثنایی بر این قاعده دانسته است.

بنابراین، اگرچه فرض بر این است که همه افراد جامعه از قوانین و احکام آگاه هستند و جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست، به صورت استثنایی، ادعای جهل به حکم پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، اصل اولیه، مسئولیت کیفری شخص، در صورت جهل به حکم است و نداشتن مسئولیت کیفری، در دو صورت است:

اولاً؛ هنگامی که به‌طور عادی تحصیل علم برای شخص ناممکن باشد، مثل آنکه شخص چوپانی در بیابان‌ها بوده و امکان تحصیل علم برای وی به‌طور عادی (از معیارهای عادی و معمولی توده مردم) وجود نداشته باشد؛

ثانیاً؛ زمانی که جهل به حکم، عذر خوانده شود؛ یعنی جهل، ناشی از تقصیر نبوده باشد (صبوری پور، ۱۳۹۴: ص ۷۱). آنچه مانع مسئولیت کیفری است، صرف جهل به حکم است و در صورتی که شخص، جاهل به حکم نباشد، ولی به نوع یا میزان مجازات جهل داشته باشد، مسئول خواهد بود.

در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، موارد فراوانی وجود دارد که علم به موضوع، شرط اصلی اثبات مجازات تعزیری شناخته شده است و در صورت جهل به موضوع، مسئولیت کیفری نیز به صورت کامل یا ناقص از بین می‌رود؛ یعنی یکی از مواردی که جهل یا اشتباه، موجب زوال کامل یا نسبی مسئولیت است، موردی است که علم و آگاهی عامل، از شرایط اساسی تحقق جرم باشد.

بنابراین، هرگاه علم مرتکب خدشه‌دار گردیده یا عامل دچار اشتباه شده باشد، مسئولیت کیفری وی از بین می‌رود. مواد قانونی که علم را شرط تحقق موضوع جرم دانسته، عبارتند از: مواد ۵۰۱، ۵۱۸ و ۵۱۹ که قانون‌گذار در مواردی چون تهیه و ترویج سکه قلب و در اختیار قراردادن نقشه‌ها یا

اسرار یا اسناد و تصمیم‌های مربوط به سیاست داخلی یا خارجی به افراد دیگر، علم به موضوع را شرط تحقق جرایم ذکر شده دانسته است.

در جرایم جعل و تزویر نیز جهل به موضوع، در مواردی موجب رفع مسئولیت کیفری می‌شود. مواد ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸ و ۵۲۹ دلالت بر آن دارند که استعمال، با علم به جعل یا تزویر، موجب اثبات مسئولیت کیفری است؛ یعنی اگر مرتکب نسبت به جعل و تزویر بودن احکام، امضا، مهر یا فرمان یا دست‌خط رهبری یا رؤسای سه قوه جاهل باشد و آنها را به کار ببرد، مسئولیت کیفری ندارد و به مجازات مندرج در مواد یاد شده، محکوم نمی‌گردد.

همچنین قانون‌گذار در ماده ۵۳۶ بیان داشته است: «استفاده از اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعلی زمانی جرم تلقی می‌گردد که استفاده‌کننده، عالم به آن باشد.» به جز آن، مواد ۵۸۴، ۵۸۳، ۵۹۲ و ۵۹۳ در خصوص ارتشا، ربا، کلاهبرداری (فریب‌کاری) و تهیه مکان برای ارتکاب جرم، علم و اطلاع را شرط تحقق جرم ارتكابی دانسته است و ماده ۶۲۲ و ۶۲۳ ضرب یا اذیت و آزار زن حامله و استعمال ادویه، اگر از روی علم باشد، افزون بر پرداخت دیه یا قصاص، حبس نیز خواهد داشت.

همچنین علم به موضوع، شرط تحقق جرایم فوق در مواد ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۸۶، ۶۹۹ و ۶۸۲ است. زمانی جرم یاد شده تحقق پیدا می‌کند که مرتکب، از روی علم و اطلاع آن را انجام داده باشد و طبیعی است اگر مرتکب، جاهل به آن باشد، به دلیل احراز نشدن موضوع جرم، مجازات نخواهد شد.

۲) تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در کد جزای افغانستان

با توجه به نظام‌های حقوقی کشورها، قاعده جهل به قانون، تأثیر یکسان در رفع مسئولیت کیفری از عهده مرتکب ندارد. از دیدگاه حقوق جزای افغانستان، این مورد نقش و تأثیری در رفع مسئولیت از عهده مرتکب ندارد.

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۱ کد جزا در این رابطه اشعار داشته است: «بی‌خبری از احکام قانون، عذر شناخته نمی‌شود.» برطبق ماده فوق، دلیل بیان چنین عبارتی در این ماده، آن است که قانون‌گذار بعد از طی مراحل قانون‌گذاری و جرم‌انگاری رفتارهای مورد نظر و نافذ شدن قانون مربوط، فرض را بر این می‌گذارد که همه اتباع (ساکنان) کشور از قانون یاد شده مطلع شده‌اند. بنابراین، اطاعت از قانون، وظیفه ضروری همگان است و همه افراد به پیروی از آن ملزم هستند. از این رو، ادعای بی‌خبری شخص از احکام قانون، عذر شناخته نمی‌شود؛ زیرا اگر این فرض قانونی لحاظ نشود، در کشور زمینه هرج و مرج، بی‌نظمی و تطبیق نیافتن قانون فراهم خواهد آمد.

بنابراین، با استناد به ماده ۱۱ کد جزای افغانستان، دیگر جایی برای استناد به جهل و رفع مسئولیت کیفری باقی نمی‌ماند، چنان‌که قانون‌گذار در بخش دوم ماده ۵۶ قانون اساسی این کشور

نیز بیان داشته است: «... بی‌خبری از احکام قانون، عذر پنداشته نمی‌شود». پس باتوجه به ماده ۸۸ کد جزای افغانستان که قانون‌گذار در آن بیان داشته: «موانع مسئولیت جزایی عبارتند از: ۱- جنون و امراض روانی؛ ۲- سکر، خواب یا بی‌هوشی؛ ۳- طفولیت؛ ۴- اضطراب؛ ۵- اکراه». همچنین در ماده ۱۱۸ کد جزا بیان می‌دارد: «عمل جرمی در صورت موجودیت یکی از اسباب اباحت، جرم شناخته نشده و موجب مسئولیت جزایی مرتکب نمی‌گردد. اسباب اباحت قرار ذیل است: ۱- رضایت مجنی‌علیه؛ ۲- ایفای وظیفه؛ ۴- تعمیل امر آمر؛ ۵- دفاع مشروع».

باتوجه به بیان قانون‌گذار در ماده ۸۸ کد جزا که از عوامل رافع مسئولیت کیفری سخن به میان آورده و به‌صورت دقیق و مشخص انواع آن را نیز نام برده، نمی‌توان از جهل و تأثیر آن در مسئولیت کیفری اثری یافت. از این‌رو، می‌توان بیان داشت که در قانون جزایی افغانستان (کد جزا) جهل، جزو عوامل رافع مسئولیت کیفری دانسته نشده است.

همچنین قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۱۸ کد جزا از عوامل موجه جرم بحث کرده و مواردی را در فقره ۲ این ماده برشمرده که با استناد به فقره ۱ این ماده (۱۱۸) هرگاه یکی از موارد فقره ۲ ماده ۱۱۸ کد جزا در یک رفتاری وجود داشته باشد؛ این مورد سبب می‌گردد تا رفتار فرد هرگز مشمول عنوان مجرمانه نگردد، چه رسد به اینکه موجب گردد تا مسئولیت کیفری از عهده وی برداشته شود. براساس این ماده نیز اثری از «جهل» وجود ندارد و می‌توان برداشت کرد که جهل، جزو عوامل موجه جرم نیز خوانده نمی‌شود، به‌گونه‌ای که این مورد را می‌توان به صراحت، از بیان قانون‌گذار در ماده ۱۱۸ استنباط کرد.

افزون بر موارد فوق، قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۰ کد جزا به بیان مسئولیت جزایی می‌پردازد و در این ماده اشعار می‌دارد: «مسئولیت جزایی و تطبیق جزا، به شخصی متوجه می‌گردد که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود.» چنان‌که در ماده بیان شده ملاحظه می‌گردد، قانون‌گذار سه شرط را برای بارشدن مسئولیت جزایی برعهده مرتکب بیان داشته است: ۱- شخص باید با اراده آزاد، مرتکب رفتار غیرقانونی شود؛ ۲- این رفتار در حالت صحت باشد؛ ۳- مرتکب از رفتار خود درک داشته باشد.

از آنجا که قانون‌گذار در این ماده شرایط فوق را با «و» نسبتی بیان کرده، لازم است تا همه این شرط یک‌جا در رفتار مرتکب موجود باشد. وانگهی، اگر در رفتار مرتکب، یکی از این شرایط نباشد، سبب خواهد شد تا مسئولیت کیفری برعهده وی بار نشود.

نکته مهم در این ماده، استفاده قانون‌گذار از کلمه «ادراک» است. در حالت اول، چنین به نظر می‌رسد که اگر در این ماده مفهوم مخالف گرفته شود؛ خلاف ادراک، جهل است و جهل می‌تواند سبب رفع مسئولیت کیفری از عهده مرتکب شود؛ اما وقتی به‌صورت دقیق به این ماده توجه شود،

چنین به دست م‌آید که این ماده به طور دقیق در جهت ماده ۸۸ کد جزا بوده و ماده ۸۸ کد جزا برای شرح این ماده آمده است.

اولین شرط در ماده ۱۰ کد جزا این است که شخص باید با اراده آزاد مرتکب جرم شده باشد، که این مورد در بند ۳، ۴ و ۵ ماده ۸۸ این قانون با عنوان طفولیت، اضطراب و اکراه بحث و بررسی شده است. دومین شرط در ماده ۱۰ کد جزا نیز صحت عقل است که بنا بر آن، مرتکب باید با صحت عقل، رفتار جرمی را انجام داده باشد، که این مورد در بند ۱ ماده ۸۸ با عنوان جنون و امراض روانی بحث شده است. سومین شرط، ادراک فرد مرتکب است که قانون‌گذار افغانستان در بند ۲ ماده ۸۸ کد موارد آن را برشمرده و موارد آن سکر، خواب یا بی‌هوشی است؛ یعنی در چنین مواردی مرتکب درکی از رفتار خود نداشته و در صورت وجود چنین مواردی نمی‌توان وی را دارای مسئولیت کیفری دانست.

بنابراین، از مفاد مواد فوق چنین به نظر می‌رسد که «جهل» در رفع مسئولیت کیفری هیچ‌گونه نقشی ندارد و قانون‌گذار افغانستان این مورد را در بحث موانع مسئولیت کیفری و عوامل موجه جرم، نپذیرفته است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث که در این تحقیق بیان گردید، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

در نظام حقوقی اسلام، جهل می‌تواند یکی از موارد رفع مسئولیت از عهده مرتکب باشد، اما از آنجا که قانون‌گذار افغانستان مطابق با ماده ۲ کد جزای این کشور، فقط جرایم تعزیری را بررسی کرده و جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات را به فقه حنفی ارجاع داده، چنین برداشت می‌شود که جهل، رافع مسئولیت نیست. از صراحت قانون‌گذار در کد جزا و قانون اساسی این کشور نیز به دست می‌آید که جهل، نه از زمره عوامل رافع مسئولیت کیفری خوانده می‌شود و نه جزو عوامل موجه جرم.

با این حال، در نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه اسلامی است، جهل و اشتباه، از عوامل رافع مسئولیت کیفری دانسته شده و بیشتر جنبه شخصی دارد؛ بدین معنا که فقط شامل فردی می‌شود که این خصوصیت را در ارتکاب فعل مجرمانه دارد، و به دیگر شرکا و معاونان جرم تسری داده نمی‌شود. این قضیه از نظر حقوقی، به دو نوع اشتباه موضوعی و حکمی و از نظر فقهی، تعبیر به شبهه می‌گردد و آن را به شبهات حکمی و شبهات موضوعیه تقسیم می‌کنند. در ارتباط مفهوم اشتباه با مفهوم جهل باید گفت که جهل دارای دو قسم بسیط و مرکب است. مفهوم اشتباه با جهل مرکب، هرچند تغایر مفهومی دارد، اتحاد مصداقی دارد و از نظر آثار حقوقی تفاوتی با یکدیگر ندارد. در حقوق اسلام، جهل و اشتباه در موضوع، یکی از علل نداشتن مسئولیت و از موارد معذور بودن

خوانده می‌شود، اما جهل و اشتباه در حکم نیز برخلاف حقوق موضوعه، در جایی که ناشی از قصور و قوه قاهره و مانند آن باشد، پذیرفته است.

رویکرد قانون‌گذار ایران، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این خصوص به عنوان شرط تحمل مجازات پذیرفته شده است؛ زیرا در ماده ۱۵۵ قانون یاد شده، جهل به قانون را جز در موارد استثنایی، رافع مسئولیت کیفری ندانسته است. افزون بر این، قانون‌گذار در مورد اشتباه و جهل، اشتباه در میزان مجازات را نیز رافع مسئولیت کیفری نمی‌داند. همچنین با توجه به نظریه‌های فقهی مختلف و قانون‌گذاری جدید و پذیرش اعمال قاعده درء و تسری آن به تمامی جرایم در ماده ۱۲۰ قانون ذکر شده است، گفته می‌شود که اشتباه حکمی، افزون بر اینکه در حدود، پذیرفته شده و رافع مسئولیت است و مواد قانونی هم به آن صراحت دارد، در خصوص دیگر جرایم و مجازات‌ها نیز در صورت اثبات ادعای متهم، می‌توان اعمال کرد؛ در حالی که در قوانین گذشته ایران هیچ ماده قانونی به طور صریح به آن اختصاص داده نشده است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ گسترده پیشرو، چاپ ششم، تهران: جهان رایانه، ۱۳۸۵.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، جامعه مدرسین، قم، با تصحیح و تعلیقه: هاشم حسینی، چاپ اول، التوحید، ۱۳۹۸.
۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ چهل و چهارم، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۴. الحنفی، عبدالمجید، نظریه الغلط فی القانون رومانی، بی‌جا: انتشارات مطبه الوادی، اسکندریه، بی‌تا.
۵. المظفر، محمدرضا، المنطق، قم: دارالعلم، ۱۳۸۲.
۶. الهی منش، محمدرضا و محسن مرادی، جرائم علیه اشخاص، چاپ دوم، تهران: مجد، ۱۳۹۳.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
۹. حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۷.
۱۰. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله: کتاب حدود، جلد ۲، قم: مکتبه العلمیه الاسلامی، ۱۳۹۰.
۱۱. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۱، نجف: مطبعة الادب، ۱۹۷۶.
۱۲. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکلمه المنهاج، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۱۴. زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (بخش قصاص)، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۴.
۱۵. _____، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (حدود؛ جرائم منافی عفت)، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۴.
۱۶. ساریخانی، عادل، حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
۱۷. سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۴.
۱۸. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ کیان، ۱۳۷۲.
۱۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۲۰. صادقی، محمد هادی، جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، چاپ بیست و یکم، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۲۱. صادقی، میر محمد، جرائم علیه اشخاص، چاپ شانزدهم، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، من لایحضر الفقیه، جلد ۴، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۴۱۳ق.
۲۳. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۱ و ۲، چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۲۵. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.

۲۶. _____، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۷. قدسی، سید ابراهیم، قلمرو تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری «مطالعه تطبیقی»، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما، ۱۳۸۷.
۲۹. موسوی بجنوردی، محمد، فقه تطبیقی، تهران: تربیت معلم، ۱۳۸۷.
۳۰. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
۳۱. واعظی نژاد، محمدرضا، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۵.

ب) مقالات

۱. آقایی نیا، حسین، «مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقیق کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۱۳۸۸.
۲. ساریخانی، عادل و داوود گرمی گلباغی، «تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۳. ساریخانی، عادل و گلباغی گرمی، «تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره ۲ (ویژه‌نامه حقوق جزا و جرم‌شناسی)، ۱۳۸۹.
۴. صبوری پور، مهدی، «رفع مسئولیت کیفری بر اثر جهل حکمی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.
۵. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۶. مقبولی، محمد، «تأثیر اشتباه بر مسئولیت کیفری با تکیه بر تأثیر آن در حدود و قصاص»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره ۶ و ۷، ۱۳۸۱.
۷. ولیدی، محمد صالح، «آثار اشتباه در مسائل کیفری»، مجله دانشگاه انقلاب، شماره ۶ و ۷، ۱۳۶۳.

ج) قوانین

۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰.
۲. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
۳. قانون مدنی ایران ۱۳۰۷.
۴. کد جزای افغانستان ۱۳۹۶.
۵. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲.